

توجیه باورهای دینی براساس کارکرد روان‌شناختی آنها در قرآن کریم

نرگس نظر نژاد^۱، لیلا شرف تادوانی^{۲*}

۱. استادیار گروه فلسفه، دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا

۲. کارشناس ارشد الهیات، فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه الزهرا

(تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۴؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۹/۲۵)

چکیده

دفاع از دین یکی از نیازهای ضروری جامعه امروز است؛ امروزه یکی از شیوه‌های پذیرفته شده دفاع از دین، دفاع عمل‌گرایانه است؛ دفاعی که درصدد است، نشان دهد دین در زندگی مردم مشکل‌گشاست. مقاله حاضر با رویکردی عمل‌گرایانه درصدد بررسی کارکرد روان‌شناختی دین است، بدین منظور نخست به توضیح پنج نیاز مهم روان‌شناختی، یعنی نیاز به رفع احساس تنهایی، نیاز به غلبه بر ترس از مرگ، نیاز به معناجویی برای زندگی، نیاز به اجرای عدالت و نیاز به امیدی که بتوان درد و رنج حاصل از زندگی را تحمل کرد، می‌پردازد. سپس با رجوع به قرآن، به طرح و بررسی تفسیری آیاتی می‌پردازد که به این نیازها اشاره کرده‌اند. و در نهایت، به نحو پیشین، و با رویکردی عمل‌گرایانه بیانگر این مطلب است که براساس موضع قرآن درخصوص نیازهای روان‌شناختی انسان، می‌توان به این نتیجه رسید که دینداران به استناد آثار مثبت التزام به باورهای دینی، عقلاً مجازاند آنها را بپذیرند.

واژگان کلیدی

باورهای دینی، دفاع عمل‌گرایانه، نیازهای روان‌شناختی، آیات قرآنی، کارکرد باورهای دینی.

مقدمه

دین یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که همواره بشر با آن روبه‌رو بوده است. دیدگاه‌های مختلفی درباره دین وجود دارد. افرادی درصدد دفاع از دین برآمده و گروهی نیز مقابل آن اقدام کرده‌اند که این امر، به‌خوبی بیانگر اهمیت و جایگاه دین است. افرادی که به دفاع از دین برخاسته‌اند دو گروه‌اند؛ گروهی که به دفاع واقع‌گرایانه تمایل دارند؛ و گروهی که به دفاع عمل‌گرایانه می‌پردازند. نکته مهم و درخور توجه اینکه دینداران همواره به‌گونه‌ای درصدد دفاع از دین‌اند. دفاع عمل‌گرایانه، با تکیه بر آثار مثبت دین در زندگی انسان، از عقلانیت عملی دینداری دفاع می‌کند.

دین نهادی است که به جهت آثار مثبت آن در گذر تاریخ همچنان پابرجا مانده است. انسان دیندار رفع نیازهای خود را در دین می‌جوید و با مشاهده یا تجربه شخصی، آثار مثبت دین را در زندگی خود می‌یابد. درعین حال، می‌توان با توسل به علومی مانند روان‌شناسی نیز، با رویکردی علمی، آثار مثبت دینداری را دنبال کرد. روان‌شناسان بیشتر با تأکید بر آثار دین، همواره بر این باوراند که دین به‌خوبی می‌تواند بهداشت روانی افراد را تأمین کند.

پژوهش حاضر درصدد است، با مراجعه به قرآن کریم، نشان دهد که دین می‌تواند به‌خوبی پاسخ‌گوی نیازهای روان‌شناختی انسان باشد؛ از این رو، هدف این نوشتار پاسخ به پرسش‌های ذیل است: ۱. مهم‌ترین نیازهای روان‌شناختی انسان کدام‌اند؟ ۲. موضع قرآن کریم در قبال نیازهای روان‌شناختی انسان چیست؟ ۳. چه نتیجه‌ای بر موضع قرآن کریم در قبال نیازهای روان‌شناختی انسان مترتب است؟

دفاع از «گزاره خدا وجود دارد»

اعتقاد به وجود خدا محوری‌ترین باور دینی و درحقیقت یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل انسان است؛ زیرا هر پاسخی که به آن داده شود، هم جهان درون و هم جهان بیرون انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هم انسان و هم جهان با توجه به پاسخ این پرسش، معنا و جلوه خاصی می‌یابند؛ اگر وجود خدا را بپذیریم، جهان ما حکیمانه شده، هرکاری غایت و غرضی خواهد داشت. درحالی‌که جهان بدون خدا، جهانی انباشته از حوادث اتفاقی و تصادفی خواهد

بود. خود انسان نیز، اگر وجود خدا را بپذیرد، موجودی هدف‌مند می‌شود؛ ولی بدون فرض وجود خدا، او هم به یکی از رخدادهای تصادفی‌ای بدل می‌شود که بدون داشتن هدفی مشخص و با بی‌اعتمادی به عالم، هر لحظه منتظر حادثه‌ای خواهد بود که به زندگی او خاتمه دهد.

خوب است به این نکته توجه کنیم که شناخت سطحی یا نادرست ما از اوصاف و افعال الهی، یک معضل معرفتی صرف نیست که در زندگی عادی و روزمره ما هیچ تأثیری نداشته باشد، واقعیت دقیقاً برخلاف این است. برداشت نادرست از قدرت و تأثیر خداوند در همه امور، ممکن است در رویارویی با ناملازمات و مشکلات به‌ظاهر لاینحل زندگانی، به‌آسانی موجب تسلیم و عدم استقامت و توکل بر او، و عجز و درماندگی شود (آون، ۱۳۸۰، ص ۲۰).

همان‌طور که می‌بینیم، مسئله وجود خدا بر همه ابعاد زندگی انسان تأثیرگذار است. اعتقاد به وجود خدا، باورهای دینی دیگری در پی دارد که هر یک در جای خود نیازمند دفاع‌اند. اما دینداران ناگزیراند نخست، از خود این اعتقاد دفاع کنند. آنان به دو شیوه از اعتقاد به وجود خدا دفاع می‌کنند، گاه با استناد به ادله عقلی و تجربی درصدد اثبات وجود خدا برمی‌آیند (پالمر، ۲۰۰۱؛ ادواردز، ۱۳۸۴؛ کاپلستون، ۱۹۸۵؛ بدوی، ۱۹۸۶؛ جیمز، ۱۹۸۲)، و گاه فارغ از صدق یا کذب اعتقاد به وجود او، با توجه به تأثیرات اعتقاد به خدا بر منش و زندگی عملی آدمی، مدعی‌اند، اعتقاد به وجود خدا به دلیل تأثیرات مثبت و چشمگیری که بر زندگی فردی و اجتماعی نوع بشر دارد، عقلاً دفاع‌شدنی است (جیمز، ۱۳۷۰؛ آذربایجانی، ۱۳۸۵؛ خرمشاهی، ۱۳۶۵).

دفاع واقع‌گرایانه^۱

دفاع واقع‌گرایانه به بحث از صدق و کذب گزاره‌های دینی می‌پردازد. این رویکرد، رویکردی پرسش‌گرایانه از درستی و نادرستی گزاره‌های دینی است که فیلسوفان و متکلمان، با این نگرش به اثبات صانع، صفات و افعال الهی و... می‌پردازند. این روش به تأثیرات باورهای دینی بر زندگی نمی‌پردازد. دفاع رئالیستی بیشتر به برهان‌هایی متوسل می‌شود که وظیفه آنها اثبات خداوند و صفات اوست. در مجموع، می‌توان این برهان‌ها را به هفت دسته تقسیم کرد: ۱. برهان وجودی / هستی‌شناختی؛ ۲. برهان وجوب و امکان / جهان‌شناختی؛ ۳.

1. Realistic defence

برهان اتقان صنع / هدف‌شناختی؛ ۴. برهان اخلاقی؛ ۵. برهان تجربه دینی؛ ۶. برهان اجماع عام؛ ۷. برهان درجات کمال (ادواردز، ۱۹۶۷؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۵؛ جوادی‌آملی، ۱۳۷۸). از آنجاکه این دفاع مدّ نظر نوشتار حاضر نیست به همین مقدار بسنده کرده، از آن می‌گذریم.

دفاع عمل‌گرایانه^۱

دفاع عمل‌گرایانه به حق یا باطل بودن گزاره‌های دینی نمی‌پردازد، بلکه در پی بیان تأثیرات مثبت ایمان به گزاره‌های دینی، و میزان پاسخ‌گویی به نیازهای آدمی است؛ مثلاً درصدد بررسی تأثیر خداباوری بر زندگی عملی افراد، و نحوه اثرگذاری این مکانیزم و آثار آن است. این دیدگاه، صرف‌نظر از صدق و کذب گزاره‌های دینی، به تأثیر آنها بر منش آدمی می‌پردازد. مثلاً ایمان به آیه ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾^۲ چه تأثیری بر انسان می‌گذارد؟ اگر کسی واقعاً به این مطلب معتقد باشد، زندگی و حیات او چقدر متأثر از این اعتقاد خواهد بود. این تلقی از دین، یک نوع دفاع پراگماتیسمی است؛ این نوع تلقی به دنبال چگونگی ظهور دین در مقام عمل و تأثیر عملی در زندگی است. (ملکیان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸)

پیشرفت و تحول علوم انسانی که سبب رفع بسیاری از نیازهای فردی و اجتماعی شد، جای این پرسش را باز کرد که آیا می‌توان نقشی برای دین در زندگی فردی و اجتماعی قائل شد؟ از این‌رو، یکی از مسائل جدید کلامی، مسئله کارکردهای دین است.

یکی از انواع دفاع پراگماتیستی از دین، دفاع از کارکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن است. این رویکرد می‌تواند با شرح این دو کارکرد، افراد و گروه‌های جامعه را به سمت خداباوری سوق دهد. به گونه‌ای که در زندگی خانوادگی و رفتارهای اجتماعی از آثار مثبت خداباوری و جاودان‌طلبی بهره‌برند. در اینجا چون کارکرد روان‌شناختی مورد نظر ماست، به توضیح مختصری درباره آن می‌پردازیم.

کارکرد روان‌شناختی

روان‌شناسی دین به بررسی آثار دین بر بهداشت روانی می‌پردازد. انسان در صورت بهره‌مندی از احساس امنیت و آرامش درون و پرهیز از افسردگی، اضطراب و بیماری‌های روانی، واجد

1. Pragmatic defence

سلامت روانی می‌شود. باورها، نگرش‌ها، تعهدات ارزشی و جهت‌گیری‌های ما چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی، در چگونگی بهداشت روانی مؤثر است.

روان‌شناسان دین بر این باوراند که دین می‌تواند سلامت روانی افراد جامعه را تأمین کند و اصولاً یکی از کارکردهای مهم و اصیل دین، تأمین بهداشت روانی افراد است. از جمله تأثیرات مثبت دین بر بهداشت روانی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

اعتقاد به محبوب بودن نزد خداوند، موجب افزایش اعتماد به نفس شده، بر ذهن و روان مؤمن تأثیرات مثبتی خواهد داشت. افزون بر این، شخص متدین احساس می‌کند عضو گروهی از انسان‌هاست که پشتوانه او در مشکلات‌اند؛ و احساس داشتن پشتوانه اجتماعی، از حس تنهایی او کاسته، موجب تأثیرات مثبت در ذهن و روان او می‌شود... (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۷).

آیا متدینان سلامت روانی بیشتری دارند؟ پیدایش دین در زندگی انسان‌ها چگونه بوده است؟ دینداری چه تأثیری در رضایت افراد از زندگی دارد؟ و... اینها پرسش‌هایی است که روان‌شناسی دین عهده‌دار پاسخ‌گویی به آنهاست. روان‌شناس دین ضمن مطالعه اعمال و باورهای دینی از دیدگاه روان‌شناسی، به تحلیل روان‌شناختی مفاهیم و آموزه‌های دینی می‌پردازد. مسائلی مانند نحوه پیدایش و رشد مفاهیم دینی و تبیین آسیب‌شناسی و پیامدهای موضوعات آن (آذربایجانی، ۱۳۸۵، صص ۷-۵).

برای نشان دادن موضع قرآن در قبال نیازهای روان‌شناختی انسان، ابتدا باید این نیازها را برشمرد. تقسیم‌بندی‌های مختلفی از نیازها ارائه شده است که ما تقسیم‌بندی نیازها به نیازهای جزئی و شخصی و نیازهای فراگیر و همه‌گیر را برگزیده‌ایم که در ذیل به توضیح آن می‌پردازیم.

نیازهای جزئی و شخصی و نیازهای فراگیر و همه‌گیر

نیازهای جزئی و شخصی نیازهایی‌اند که چون انسان خاص هستیم به آنها نیازمندیم. انسان‌ها با توجه به قرارگرفتن در زمان، مکان، طبقه و موقعیت اجتماعی خاص، نیازهای شخصی متفاوتی خواهند داشت. فرد اگر در مکان الف قرار داشته باشد نیازهای شخصی‌ای که دارد با نیازهای فردی در مکان ب متفاوت است. زمان نیز در این نیازها مؤثر بوده، هر زمانی با توجه به شرایط و موقعیت‌های آن، نیازهای شخصی متفاوتی را می‌طلبد. حتی انسان‌هایی که در یک زمان و مکان مشابه زندگی می‌کنند، با توجه به قراردادن در طبقه اجتماعی خاص، نیازهای

جزئی و شخصی متفاوتی دارند؛ نیازهای کارگر متفاوت از نیازهای کارفرماست. افزون بر آن، جنسیت نیز، در این نیازها مؤثر است، برخی از نیازهای شخصی‌ای که زنان دارند اصلاً در مردان مصداق نداشته، برعکس، مردان نیازهایی دارند که زنان احتیاجی به آنها ندارند. بنابراین، عوامل مؤثر در تفاوت نیازهای شخصی، عبارت‌اند از: مکان، زمان، جنسیت، طبقه اجتماعی و...

نیازهای فراگیر و همه‌گیر، آن دسته از نیازهایی هستند که ما از آن جهت که انسان هستیم بدان نیازمندیم. از این رو، این احساسات و نیازها، به زمان، مکان یا گروه‌های خاص اختصاص نداشته، برای همه انسان‌ها در هر دوره‌ای و در هر جای کره خاکی، و در هر طبقه اجتماعی‌ای که باشند، مشترک خواهند بود. در اینجا به توضیح نیازهای فراگیر می‌پردازیم. نیازهای فراگیر به پنج دسته تقسیم می‌شوند؛ نیازهایی مانند: ۱. رفع احساس تنهایی؛ ۲. غلبه بر ترس از مرگ؛ ۳. معناجویی برای زندگی؛ ۴. امیدی که بتوان در سایه آن رنج زندگی را تحمل کرد؛ ۵. اجرای عدالت.

نیاز به رفع احساس تنهایی و آیات قرآنی دال بر آن

یکی از احساساتی که در همه انسان‌ها وجود دارد، احساس تنهایی است. اگرچه انسان‌هایی که زودرنج و عاطفی‌تراند، خیلی زودتر احساس تنهایی می‌کنند، این احساس، در وجود همه ما یافت می‌شود. به گونه‌ای که ممکن است گاهی در بین جمع باشیم ولی باز احساس تنهایی کنیم. در یک دید کلی می‌توان احساس تنهایی را در پنج ساحت مختلف تصور کرد (خسروپناه، ۱۳۷۹، ص ۲۵۱).

الف) تنهایی فیزیکی: تنهایی فیزیکی به اقتضای زمان و مکان است، مثل موقعی که در اتاقی تنها نشسته‌ایم؛ این تنهایی همیشه و همه‌جا رنج‌آور نیست و می‌توان آن را برطرف کرد، حتی گاهی اوقات انسان طالب این نوع تنهایی است تا به آرامش روحی برسد.

ب) تنهایی اخلاقی، یا تنهایی در معاشرت: خصوصیات روحی و رفتاری برخی افراد به گونه‌ای است که از جمع فاصله می‌گیرند و یا اینکه دیگران خواهان معاشرت با آنان نیستند. بنابراین، چنین افرادی در معاشرت احساس تنهایی می‌کنند، این تنهایی گرچه رنج‌آور است، قابل تحمل می‌باشد.

ج) تنهایی ادراکی و ذهنی یا تنهایی روحی: در این ساحت، فرد احساس می‌کند که دیگران او را درک نمی‌کنند. انسان‌هایی که به‌لحاظ روحی و ذهنی قوی‌تراند، این نوع تنهایی را بیشتر

حس می‌کنند؛ چون آنان از حد متوسط مردم فاصله می‌گیرند و استعداد مردم، در درک وضعیت آنان به فعلیت نرسیده است. این افراد فکر می‌کنند با امور درونی خود تنها هستند.

د) تنهایی عاطفی: افرادی که عاطفه قوی دارند، احساس می‌کنند که هیچ‌کس آنان را خالصانه و به‌خاطر خودشان دوست ندارد، و احترام مردم نسبت به آنان، یا به اقتضای آداب و رسوم اجتماعی، یا برای رفع نیازهای خودشان است. در یک کلام، همه اهل تجارت‌اند و عاطفه را بازای بهای آن ظاهر می‌کنند.

ه) تنهایی مصیبتی: بدترین نوع تنهایی است که شخص حس می‌کند دیگران علم و قدرت حل مشکلاتش را ندارند. این احساس مربوط به زمان و مکان خاص نبوده، عمیق‌ترین تنهایی‌ای است که فرد حس می‌کند هیچ انسانی توان حل مشکل او را ندارد.

احساس تنهایی در سه ساحت آخر، مخصوصاً در ساحت تنهایی عاطفی و مصیبتی، منشأ آفات فراوان و حساسی است؛ و احساس فرد از اینکه دیگران قادر به حل مشکلات او نیستند، باعث ازبین‌رفتن نظام ارزشی شده، به‌دنبال آن، زندگی و حیات دنیوی بی‌معنا خواهد شد. اریک فروم معتقد است: عمیق‌ترین احتیاج بشر نیاز او به غلبه بر جدایی و رهایی از زندان تنهایی است و اگر آدمی نتواند از این زندان نجات یابد و دچار شکست شود، کار آدمی به دیوانگی می‌انجامد (فروم، ۱۳۸۴، صص ۲۰-۱۹).

حتی پیشرفت علم نیز احساس تنهایی را برطرف نکرده است. این واقعیت وجود دارد که بسیاری از مشکلات بنیادین جوامع مدرن، به جهت تکرار اشتباهات گذشته است. با وجود این، احساس آوارگی روحی در جوامع مختلف و زمان‌های گوناگون، با همدیگر متفاوت است. این دوران، دوران تنهایی بزرگ‌تر و احساسی قوی‌تر از خودبیگانگی است (آلستون، ۱۳۸۰، صص ۱۱۶-۱۱۵).

همان‌طور که می‌بینیم، یکی از احساسات مشترکی، که همه انسان‌ها از آن رنج می‌برند، احساس تنهایی است. این تنهایی به گونه‌ای است که با هیچ وسیله‌ای مگر یاد خدا برطرف نمی‌شود.

ادیان با اعتراف به قادر، عالم و خیرخواه مطلق بودن خداوند به‌ساحت‌های مختلف تنهایی پاسخ می‌دهند؛ زیرا، براساس ادیان الهی، خداوند کاملاً بر نیازهای ما واقف، و از خود ما به ما نزدیک‌تر بوده، بدون هیچ چشم‌داشتی بر حل مشکلات ما تواناست. عشق خدا،

عشقی از نوع دهندگی است، خدا مهربانی می‌کند تا مهر کرده باشد. خداوند عاشق، اولاً و بالذات به منظور برآوردن نیازهای معشوق، به او نزدیک است؛ برخلاف سایر عشق‌ها که از انسان چیزی می‌گیرند یا ترکیبی از گیرندگی و دهندگی‌اند (خسروپناه، ۱۳۷۹، ص ۲۵۳).

در قرآن نیز آیاتی وجود دارد که مؤید مطالب بالاست از جمله آیات ۲۴ انفال، ۱۶ ق، ۴ فتح، ۸۵ واقعه و ۱۸۶ بقره. در اینجا برای نمونه، آیه شانزدهم سوره مبارک «ق» را همراه با تفسیر آن می‌آوریم:

«و به راستی که انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفسش چه وسوسه‌ای به او می‌کند، و ما به او از رگ جان نزدیک‌تریم».

در این آیه خداوند می‌فرماید از حبل‌الورید به انسان نزدیک‌تر است. در اینجا ممکن است ورید به معنای رگ‌هایی باشد که خون را به قلب می‌رساند؛ یعنی خداوند، از رگ‌های قلب، به انسان نزدیک‌تر است، یا اینکه ورید به معنای رگ گردن باشد که خداوند، از رگ گردن، به آدمی نزدیک‌تر است. به‌طور کلی می‌توان گفت: این آیه بدین معناست که سراسر وجود آدمی و زوایای قلب او، بر خداوند آشکار است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱، ج ۱۷، ص ۶۶۹).

ورید به هر معنا که باشد، مضمون این آیه این است که چگونه ممکن است، ما به انسان از رگ وریدش که در تمامی بدنش پراکنده است، نزدیک‌تر باشیم، و به آنچه در دل او می‌گذرد آگاه نباشیم؟! این جمله می‌خواهد مقصود را با عبارت ساده و همه‌فهم ادا کند؛ وگرنه نزدیکی خدا به انسان مهم‌تر از این، و خدای سبحان بزرگ‌تر و برتر از آن است. خداوند نفس آدمی را آفریده و برای آن آثاری قرار داده است، پس خدای تعالی بین نفس آدمی و خود نفس، و بین نفس و آثارش واسطه و حائل است؛ بنابراین، خدا از هر جهت و حتی از خود انسان به انسان نزدیک‌تر است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۸، صص ۵۴۹-۵۴۸).

نیاز به غلبه بر ترس از مرگ و آیات قرآنی دال بر آن

ترس از مرگ، بالاترین ترس طبیعی و از اساسی‌ترین رنج‌های آدمی است. آدمی از یک سو، به دلیل قرار داشتن میان دو عدم؛ یعنی گذشته‌ای که از دست رفته، و آینده‌ای که نیامده است، و از سوی دیگر به جهت به هم ریختن آرامش، و پریشانی و اضطراب ناشی از رنج مرگ، از مرگ می‌ترسد (ذاکر، ۱۳۷۷، ص ۸۱).

فرد بدبین، هر روز با ترس و اندوه به تقویم خود چشم دوخته و با جدا کردن هر برگ، نظاره‌گر کاهش تدریجی تقویم عمر خود است. اما فردی که دیدی فعالانه به زندگی دارد، به جای دور ریختن برگ‌ها، بر پشت آنها یادداشت مهمی می‌نویسد و آن را بر روی برگ‌های کنده‌شده پیشین می‌گذارد، او با این کار، به هر آنچه عمل نکرده، می‌پردازد و برای چنین فردی که نقش خود را در زندگی فعالانه ایفا کرده، نه تنها غبطه خوردن به جوانان و گذر عمر معنی ندارد، بلکه از زندگی خود شادمان است (فرانکل، ۱۳۸۴، صص ۱۸۹-۱۸۸).

انسان دوستدار جاودانگی است و از هر عاملی که مانع حیات جاودانه او باشد، ترس داشته، در رفع آن خواهد کوشید. مرگ نیز، به دلیل تبدیل احساس جاودانگی انسان به پوچی و عدم، هراس‌انگیز است. درباره ترس از مرگ نظر دیگری هم وجود دارد که می‌گوید: این ترس غیرمنطقی نتیجه شکست در زندگی بوده، توصیف وجدان گناهکاری است که زندگی ما را به هدر داده و شانس استفاده بارور از توانایی‌های ما را ربوده است. مردن تلخ است ولی مردن بدون بهره‌مندی از دوران زندگی، غیرقابل تحمل (فروم، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰).

قرآن به انسان خطاب می‌کند که از امری مانند فقر و مرگ نهراسد. قرآن درباره مرگ به انسان می‌گوید که این زندگی و حیات دنیایی گذرا و فانی است، نعمت‌های دنیا از بین می‌روند، تنها زندگی‌ای که پایدار و جاویدان بوده، نعمت‌های آن ابدی و ماندگاراند، زندگی اخروی است. مرگ مانند پلی است که زندگی فانی را به زندگی باقی متصل می‌کند. از این رو، مؤمن واقعی از مرگ نمی‌ترسد، چون یقین دارد که بعد از مرگ، نعمت‌های حیات باقی و جاویدان در انتظار بندگان پرهیزکار است (نجاتی، ۱۳۶۹، صص ۱۵۱-۱۵۰).

آیاتی در قرآن بیانگر عدم ترس انسان‌های مؤمن از مرگ است؛ چراکه بالاخره همه خواهند مُرد و مرگ، فنا و نابودی نیست بلکه دریچه‌ای به حیات جاویدان است. تعدادی از این آیات بدین قراراند: بقره ۹۴-۹۶ و ۱۵۶؛ آل عمران ۱۵۷-۱۵۸ و ۱۶۹-۱۷۰ و ۱۸۵؛ انعام ۳۲؛ اعراف ۳۴؛ و توبه ۱۱۱. برای نمونه آیه ۳۲ سوره انعام را درج می‌کنیم.

«و زندگانی دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست، و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی‌اندیشند؟»

این آیه با مقایسه زندگی دنیوی و اخروی، زندگی دنیا را لهو و لعب می‌داند. چون این

زندگی چیزی جز یک سلسله عقاید اعتباری و غرض‌های موهوم نیست، و «لعب» هم عبارت است از سرگرمی به موهومات؛ بنابراین، دنیا نوعی لعب خواهد بود؛ زیرا آدمی را از مهمات اخرویش که حیات حقیقی و دائمی است باز می‌دارد، و «لهو» هم چیزی است که آدمی را از مهماتش باز بدارد؛ از این رو، دنیا نیز، نوعی لهو است. و اما دلیل خیر بودن دار آخرت، آن هم تنها برای متقین، به جهت حیات حقیقی و ثابت بودن دار آخرت بوده، جز متقین، کسی به چنین حیاتی دست نمی‌یابد. از این رو، برای متقین خیر است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۸۷).

اگر درست بیاندیشیم، خواهیم دید که واقعیت زندگی منهای آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست، دلبستگی به دنیا، کار نابخردانه‌ای است. هنگامی که انسان به دنیا سرگرم شود از آخرت باز می‌ماند و حاصل عدم استفاده از عقل، توجه به دنیا و غفلت از آخرت است. در صورت عدم وابستگی انسان به دنیا و درک درست واقعیت و پیش گرفتن راه تقوا، آخرت خیر محض و خالی از شرور و ناگواری خواهد بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵، ج ۵، صص ۸۹-۸۸).

نیاز به معناجویی برای زندگی و آیات قرآنی دال بر آن

بسیاری از نابسامانی‌های روحی، نتیجه بی‌معنایی زندگی است. زندگی برای انسان بی‌هدف، ملال‌آور شده، چرخه‌ای تکراری و بی‌معنایی خواهد بود که به کام او تلخ شده، ممکن است سبب خودکشی شود.

فرانکل^۱ (وفات ۱۹۰۵) پایه‌گذار مکتب معنا درمانی^۲، معتقد است، تلاش انسان برای یافتن و جست‌وجوی معنا و ارزش وجودی، همیشه موجب تعادل نبوده، ممکن است تنش‌زا باشد؛ ولی همین تنش جزء جدانشدنی بهداشت روان است. یافتن معنای وجودی در زندگی، بیش‌از هر چیز دیگر می‌تواند یاری دهنده انسان باشد. احساس کلی و غایی بی‌معنایی زندگی، چیزی است که امروزه بیماران بسیاری از آن رنج می‌برند. این بیماران، معنایی برای زندگی نمی‌شناسند که سبب ارزش و تداوم آن شود. همچنین، برخلاف نظر برخی که معتقداند رنج و میرندگی، زندگی را بی‌معنا می‌کند، گذرایی و انتقال زندگی از معنای آن نکاسته، سبب بیداری وظیفه و مسئولیت در انسان می‌شود، و در برخورد با این گذرایی امکانات، انسان در می‌یابد که چگونه

1. Victor Emil Frankl

2. Logotherapy

انتخاب و عمل نماید (فرانکل، ۱۳۸۴، صص ۱۵۷-۱۵۵ و ۱۸۷).

اشتیاق به فهم و فایده حیات ما، اشتیاقی عمیق، فراگیر و نشانه بعضی از ویژگی‌های ذهن است که مسلماً برای انسان بودن انسان، اساسی‌اند (موسوی، ۱۳۸۲، صص ۳۰-۲۹). اگر ندانیم چرا باید زندگی کنیم، درحقیقت، زندگی نمی‌کنیم؛ بلکه فقط به حیات بیولوژیک خود ادامه می‌دهیم. اگر حس نکنیم که زندگی‌مان معنا دارد، زندگی بسیار تکراری و خسته‌کننده شده، بعضی اوقات، دچار تسلسل یا دور می‌گردد. مثلاً کار می‌کنیم برای کسب درآمد، درآمد را برای خرید وسایل می‌خواهیم، وسایل را برای زنده ماندن و ... یا می‌خوریم تا زنده بمانیم و زنده می‌مانیم تا غذا بخوریم؛ این چرخه، زندگی را ملال‌آور و بی‌معنی خواهد کرد (ملکیان، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲).

معناجویی یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب کاهش فشار روحی، و افزایش آرامش روحی می‌شود. دین به حیات آدمی معنا داده، درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های مهم زندگی، همچون از کجا آمده‌ایم؟ برای چه آمده‌ایم؟ و به کجا می‌رویم است (سروش، ۱۳۷۶، ص ۲۴۴).

اگر به خدا معتقد باشیم، درمی‌یابیم که وجود ما و جهان، تصادفی نیست، بلکه آفریده موجودی آسمانی هستیم که مراقب ماست. هنگامی که انسان جهان مادی را بخشی از یک جهان روحانی‌تری بداند که معنای خود را از آن می‌گیرد، اضطراب‌هایش برطرف شده، به آرامش می‌رسد (پویا، ۱۳۸۶، صص ۱۳۳-۱۳۲).

قرآن در باب معنای زندگی، همانند سایر ادیان توحیدی، بر هدفداری کیهان و جهان تأکید می‌نماید. آیات فراوانی از قرآن دال بر این است که خدا جهان را بی‌هدف و عبث نیافریده است؛ تعدادی از این آیات عبارت‌اند از: بقره ۱۶۴؛ آل‌عمران ۱۹۰-۱۹۱؛ یونس ۶۷؛ ذاریات ۵۶-۵۷؛ انشقاق ۶؛ طور ۳۵؛ حدید ۲۱؛ و احقاف ۳. برای نمونه آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ سوره مبارک آل‌عمران را برای نمونه مطرح می‌کنیم.

«در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، مایه‌های عبرتی برای خردمندان است * همان کسانی که خداوند را (در همه احوال) ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند که پروردگارا! این را بیهوده نیافریده‌ای...»

این آیات از جمله آیاتی است که دال بر حکمت خداوند و حکیمانه بودن نظام آفرینش است. زمین و آسمان و پدیده‌های موجود در آن در معرض حوادث و دگرگونی‌اند، این تغییرها

نشان‌دهنده و حکایتگر پدیدآورنده‌ای است. شگفتی‌ها و نظام‌های دقیق و تحولات منظمی که در آسمان و زمین در جریان است، همه دال بر وجود پدیدآورنده و تدبیرگری دانا و آگاه‌اند؛ چراکه پدیده‌های منظم و حساب‌شده مطمئناً از گرداننده‌ای دانا و فرزانه سرچشمه گرفته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۸، ج ۲، صص ۶۶۳-۶۶۱).

نظر و توجه در آیات آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز باعث می‌شود که دائماً به یاد خدا باشیم و هیچ‌گاه او را فراموش نکنیم. توجه به خلقت آسمان‌ها و زمین، اعتقاد به برانگیخته شدن در روز جزا و تحقق وعده الهی را در پی خواهد داشت. به هر چیزی که فایده‌ای نداشته، غرض عقلانی‌ای بر آن مترتب نباشد، باطل گویند؛ از این رو، باطل نبودن خلقت آسمان‌ها و زمین به معنای تحقق وعده الهی و جزا و پاداش اخروی است؛ چراکه درغیراین صورت، خلقت باطل خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۴، صص ۱۵۰-۱۴۹).

نیاز به امیدی که بتوان رنج حاصل از زندگی را تحمل کرد و آیات قرآنی دال بر آن

رنج همراه آدمی است و از آن گزیری نیست. هر شخصی در زندگی با مصائب و مشکلاتی روبه‌رو شده است، برخی از آن رنج‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده، پیشرفت علم و صنعت نیز در رفع آنها ناکام است؛ مثل پیری، مرگ و برخی بیماری‌ها. هر انسانی برای مقابله با این رنج‌ها راهی برمی‌گزیند. برخی خود را به غفلت زده، به مواد مخدر متوسل می‌شوند، و عده‌ای دیگر تسلیم محض می‌شوند و برای کاهش سختی‌ها، نمی‌کوشند؛ هر دو گروه در اشتباه‌اند. اگر انسان فلسفه رنج‌ها را بداند دیگر آنها آزاردهنده نبوده، نردبانی به سوی کمال معنوی شمرده خواهند شد.

درحقیقت پاسخی که به رنج داده می‌شود، بستگی به نگرش فرد درباره زندگی و محیط اطراف دارد. نحوه برخورد آدمی با رنج‌ها و مصائب به او معنا می‌دهد، اگر انسان هدف زندگی را دریابد و بداند که زندگی هدفمند است، در برخورد با مشکلات، روحیه و امید خود را از دست نمی‌دهد. اما کسی که زندگی را بی‌هدف می‌پندارد، هر امری برای او رنج‌آور خواهد بود. چنین فردی در رنج‌ها از همه کس و همه جا قطع امید کرده و ناامید و مأیوس می‌گردد (ذاکر، ۱۳۷۷، ص ۸۰).

زندگی انسان مملو از رنج‌ها و سختی‌هاست و این مصائب در زندگی انسانی اجتناب‌ناپذیراند. قرآن مؤمنان را به صبر در برابر این مصائب دعوت می‌کند؛ زیرا صبر برای تربیت نفس و تقویت

شخصیت بسیار مفید است. صبر موجب افزایش توان انسان در برابر سختی‌ها و مصائب روزگار می‌شود. اصولاً فردی که خدا را یار و یاور خود می‌داند از مشکلات نمی‌هراسد. مؤمن صابر، از مشکلات و آزاری که متوجه او می‌شود، اظهار شکوه و ناتوانی نمی‌کند، چراکه می‌داند خدایی که با اوست، او را به صبر سفارش کرده و این مصائب آزمایشی برای شناخت مؤمنان صابر است (نجاتی، ۱۳۶۹، صص ۳۶۹-۳۷۸).

آیات فراوانی در قرآن انسان را به صبر دعوت می‌کنند و به صابران نوید پیروزی می‌دهند؛ تعدادی از این آیات عبارت‌اند از: بقره ۱۵۳ و ۱۵۵؛ یوسف ۸۳ و ۸۷؛ شرح ۵-۶؛ حجر ۵۶؛ یونس ۱۲ و ۶۲؛ هود ۱۱؛ اعراف ۵۶؛ و طلاق ۷. در اینجا به تفسیر آیات پنجم و ششم سوره شرح می‌پردازیم.

«بی‌گمان در جنب دشواری، آسانی است * آری در جنب دشواری آسانی است.»

این آیات بیانگر همراهی همیشگی سختی‌ها و آسانی‌ها هستند. درحقیقت، سختی‌ها زمینه‌ساز آسانی‌اند و جدایی‌ناپذیر بودن سختی و آسانی، قانونی فراگیر است. مشکلات و سختی‌ها، از بین خواهند رفت و آسانی جایگزین آن خواهد شد؛ چگونگی تأثیر سختی‌ها در پیدایش آسودگی، وابسته به خداوند است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، صص ۵۷۵-۵۷۳). در تفسیر این آیه احتمالات مختلفی مطرح شده است، که عبارت‌اند از: ۱. منظور آیه این است که به یقین با دشواری، آسانی خواهد بود. ۲. با فقر و تهیدستی، توانگری و بی‌نیازی است. ۳. در ازای صبر مسلمانان بر اذیت و آزار مشرکان، خداوند آسایش و راحتی را نصیبشان خواهد کرد و پیروز خواهند شد. خلاصه آنکه بنابر سیاق این آیه انسان باید امیدوار باشد که پس از تحمل سختی، راحتی در انتظار اوست (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص ۱۱۶۶).

نیاز به اجرای عدالت و آیات قرآنی دال بر آن

بی‌عدالتی اجتماعی یکی از بدترین دردهای اجتماعی بشر بشمار می‌رود. اجرای نابه‌حق قانون، ظلم و تجاوز به حقوق ملت‌ها، تبعیض نژادی و... دردهای شدید جامعه بشری‌اند که انسان‌ها را به‌سوی عدالت می‌کشاند؛ و انسان شدیداً خود را محتاج آن می‌داند. بسیاری از ظالمان که جنایات بسیار مرتکب شده‌اند، نه تنها مجازات نمی‌شوند، بلکه در رفاه و آسایش به‌سر می‌برند که این امر، موجب افزایش رنج مظلومان است. به‌دلیل عدم تناسب برخی از

مجازات‌های دنیوی با میزان جرم، عدالت به معنای واقعی کلمه رعایت نمی‌شود. از این رو، مردم احساس بی‌عدالتی می‌کنند (یوسفیان، ۱۳۸۱، ص ۷).

نیاز به مقابله با احساس بی‌عدالتی، یکی دیگر از نیازهای انسان است. همه افراد هنجارهای اجتماعی را می‌پذیرند ولی برخی از آنها، نه تنها در قبال هنجارشکنی مجازات نمی‌شوند، بلکه پاداش هم می‌گیرند و عده‌ای که کاملاً مقید به هنجارها هستند، پاداشی دریافت نمی‌کنند. قوانین قراردادی نیز به هیچ وجه، نمی‌توانند عادلانه باشند، چراکه در چارچوب شرایط محدودی اجرا می‌شوند؛ یعنی به تفاوت‌ها توجه نمی‌شود (ملکیان، ۱۳۸۱، صص ۱۱۱-۱۱۲). این بی‌عدالتی‌ها، موجب افزایش رنج بشر، و سبب بروز بیماری‌های روحی شده، گاهی نیز، فرد را به ستم تشویق می‌کند.

اجرای عدالت یکی از مهم‌ترین عواملی است که امنیت و آرامش خاطر افراد را در پی دارد. عدالت به معنای اعطای حق هر صاحب حقی است، بدون ظلم و تبعیض. قوانین قراردادی بشر و جهان مادی، به علت محدودیت‌هایشان، هیچ‌گاه نمی‌توانند به طور کامل عدالت را اجرا کنند. از این رو، اگر فردی زندگی را محدود به همین جهان مادی بداند، اضطراب و نگرانی حاصل از بی‌عدالتی بی‌نهایت بوده، موجب عدم آرامش و بروز بیماری‌های روانی خواهند شد. ولی با اعتقاد به جهان برتر و کامل‌تری که در آن حق هرکس بدون ذره‌ای کم و کاست داده می‌شود، همه اضطراب‌ها رخت خواهند بست.

آیات فراوانی در قرآن مجید به عدالت توصیه می‌کند که تعدادی از آنها عبارت‌اند از: مائده ۸؛ یونس ۱۳؛ نحل ۹۰؛ نساء ۴۰ و ۱۳۵؛ حدید ۲۵؛ ممتحنه ۱۰-۱۱؛ و حجرات ۹. در اینجا به طور مثال آیه ۹۰ سوره مبارک نحل را بیان می‌کنیم.

«به راستی خداوند به عدل و احسان و ادای حق خویشاوندان فرمان می‌دهد، و از ناشایستی و کار ناپسند و سرکشی باز می‌دارد؛ او شما را اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید».

عدالت یعنی اجتناب انسان از افراط و تفریط و میانه‌روی در کارها؛ و تعلق آنچه سزاوار است و قرار گرفتن هر چیز در جای واقعی‌ای که مستحق آن است. عدالت هم در اعتقاد، هم در عمل فردی و هم در بین مردم می‌تواند مصداق خارجی داشته باشد. عدالت در اعتقاد یعنی، ایمان به آنچه حق است؛ عدالت در عمل فردی یعنی، ترک کاری که مایه بدبختی است و پرداختن به

اعمالی که انسان را به سعادت برساند، عدالت در بین مردم یعنی، قرار گرفتن هر کس در جایی که مستحق آن است؛ تمجید نیکوکار به خاطر احسانش، عقاب بدکار و احقاق حق مظلوم از ظالم و عدم تبعیض در هیچ مرحله‌ای از اجرای قانون، (طباطبایی، ۱۳۳۷، ج ۱۲، صص ۵۰۵-۵۰۳).

عدالت، همیشه خوب است، قرارگرفتن هر چیزی در جایی که شایسته آن است، از نظر همه انسان‌ها خوب است. اگرچه ممکن است مردم در مصداق آن باهم اختلاف داشته باشند، این اختلاف به خاطر تفاوت در روش زندگی آنهاست.

دفاع عمل‌گرایانه از باورهای دینی براساس آیات قرآنی

گفته شد که به دو روش می‌توان باورهای دینی را توجیه و از آنها دفاع کرد: دفاع واقع‌گرایانه که پس از دفاع از معقولیت باورهای دینی، از صدق آنها دفاع می‌کند؛ و دفاع عمل‌گرایانه که بیانگر کارآمدی باورهای دینی در زندگی عملی، و آثار مثبت آنهاست؛ یعنی با توسل به عقل عملی، نشان می‌دهد که دین تأمین‌کننده منافع انسان است و دیندار بودن عقلاً موجه است. دفاع عمل‌گرایانه از طریق کارکرد جامعه‌شناختی و کارکرد روان‌شناختی می‌تواند باورها را توجیه کند. در روش اخیر، اثبات می‌شود که باورهای دینی با تأمین بهداشت روانی انسان، سلامت روانی را برای انسان به ارمغان خواهد آورد؛ بنابراین، نظر به کارآمدی باورهای دینی، عقلاً مجازیم آنها را بپذیریم.

سلامت روانی انسان بسیار اساسی بوده، بازتاب مستقیمی در جامعه دارد. در قرآن نیز، بر سلامت و بهداشت روانی به منزله شرط رستگاری اخروی تأکید شده است؛ مانند آیات ۸۸ و ۸۹ سوره مبارک شعراء که می‌فرماید:

«روزی که مال و پسران سود ندهد * مگر آنکه کسی دلی پاک و پیراسته (از شک و شرک) به نزد خداوند آورد».

خدا، خود، زمینه بهداشت روانی را مهیا کرده است؛ چراکه اجرای دستورهای الهی، سلامت روان را در پی خواهد داشت؛ خداوند در آیه ۲۶۵ سوره مبارک بقره می‌فرماید:

«و داستان کسانی که اموالشان را در طلب خشنودی خداوند و برای تحکیم اعتقاد خویش می‌بخشند، همچون داستان بوستانی است بر پشته‌ای که باران سنگینی بر آن ببارد و میوه‌هایش را دو چندان به بار آورد، و اگر باران سنگینی بر آن نبارد (دست کم) باران سبک (بر آن ببارد) و خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است».

در مجموع، روان‌شناسان، (وولف، ۱۳۸۶، ص ۳۵۱؛ فروم، ۱۳۸۴، صص ۲۱-۱۹؛ فرانکل، ۱۳۸۴، صص ۱۸۹-۱۸۸؛ ویلیامز، ۱۳۸۵، ص ۴۲، جیمز، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸)، پنج نیاز مهم روان‌شناختی را مطرح کرده‌اند که همه انسان‌ها در هر مکان و زمان و در هر طبقه و جنسیتی، به آن احتیاج دارند که در صورت ارضا نشدن یا ایجاد خلل در آنها، آرامش از انسان سلب می‌شود. انسان‌ها با توجه به نگرششان به این نیازها، در برابر آنها برخوردهای متفاوتی دارند.

بشر از دین انتظاراتی دارد که یکی از این انتظارات، تأمین همین پنج نیاز است. اگر دین بتواند پاسخ‌گوی این نیازها باشد، انسان‌ها خود را موجه می‌دانند که به سمت دین روی آورند؛ چراکه بشر امروز بیش‌ازپیش، نیازمند چیزی است که پاسخ‌گوی نیازهایش باشد. در اینجا ما براساس مطالب بخش‌های قبل، می‌توانیم پذیرش باورهای دینی را عقلاً توجیه کرده، نشان دهیم که دین به‌طور عام و قرآن به‌طور خاص کارکردهای روان‌شناختی نیز توجه داشته، به‌خوبی می‌تواند این نیازها را برطرف کرده، و حتی در پاسخ‌گویی به این نیازها بی‌بدیل باشد.

یکی از نیازهای انسان، رفع احساس تنهایی است. احساس تنهایی درون انسان را متلاطم کرده و او را در اضطراب و نگرانی دائمی فرو می‌برد. قرآن کریم راهی را پیشنهاد می‌کند که به‌خوبی این نیاز را برطرف کرده، به انسان آرامش عطا می‌کند. قرآن به‌تنهایی انسان در پنج ساحت، به‌خوبی پاسخ می‌دهد. وقتی خدای عالم در همه‌جا حضور دارد، چگونه انسان می‌تواند دچار تنهایی فیزیکی شود.

قرآن در آیه ۱۶ سوره مبارکه «ق»، خدا را از رگ جان و گردن به انسان نزدیک‌تر می‌داند، چنین خدایی چگونه می‌تواند از درک انسان عاجز و از درون او بی‌خبر باشد. آیه چهارم سوره مبارک فتح سپاه‌های آسمان و زمین را از آن خدا می‌داند، پس خدای قدرتمند، قادر بر حل مشکلات ما خواهد بود.

افزون‌برآن، خدا غنی بالذات است و هیچ نیازی به هیچ چیز یا کسی ندارد. با اندکی توجه درمی‌یابیم، خدایی که بر ما احاطه کامل دارد، توان شناخت و قدرت حل مشکلات ما را نیز، دارد. همچنین، از آنجاکه او غنی بالذات بوده، انسان فقیر و وابسته به اوست، می‌تواند به نحو عالی تنهایی ما را برطرف کند.

یکی دیگر از عواملی که موجب سلب آرامش انسان شده، اضطراب و افسردگی را جایگزین آن کرده، گاهی زندگی انسان را دچار رکود می‌کند، رنج‌ها و مصائبی است که با زندگی همراه

است. نحوه نگرش ما به رنج، به آن معنا و شکل می‌دهد و با درک معنا و فلسفه این رنج‌ها می‌توانیم برخورد شایسته‌ای با آنها داشته باشیم، بدون اینکه گرفتار ناهنجاری‌های روانی شویم.

قرآن مجید در این باره نیز، راه‌گشاست، قرآن کریم به انسان می‌فرماید: سختی‌ها و مصائب برای آزمایش انسان و بیدار کردن فطرت خاموش او که با رذائل پوشیده شده، لازم است، چراکه هنگام بروز مشکلات، انسان فطرتاً به سمت خدا رو می‌کند. همچنین قرآن به انسان‌هایی که در رنج و سختی به سر می‌برند، امید می‌دهد که پس از سختی و گرفتاری، آسایش و راحتی است و خداوند در ازای رنج‌هایی که آنها متحمل شده‌اند، به آنان پاداش خواهد داد و به انسان نوید می‌دهد که مصائب پایدار نبوده، در صورت امید به رهایی، همراه با کار و تلاش آسایش و راحتی ابدی نصیب او خواهد شد. خداوند در آیات پنجم و ششم سوره مبارک انشراح می‌فرماید: در کنار دشواری، آسانی قرار داده است؛ از این رو، هرگز مشکلات و سختی‌ها انسان‌های خداپرست و دیندار را از پای در نمی‌آورد و آنها را دچار اضطراب و نگرانی نمی‌کند. بلکه این سختی‌ها، نردبانی برای ترقی و تعالی آنان است.

قرآن برای افرادی که تفسیر نادرستی از مرگ دارند و از آن هراسان‌اند، تفسیر خوش‌بینانه‌ای ارائه می‌دهد. خداوند ابتدا، مرگ را گذرگاهی می‌داند که همه باید از آن عبور کنند، «هر جان‌داری چشنده (طعم) مرگ است و ...»^۱، سپس زندگی دنیا را بازیچه و سرگرمی می‌داند که گذرا و فانی است و می‌فرماید: تنها حیات آخرت پایدار و جاویدان است. کسانی که به خدا و قرآن معتقداند، از آنجاکه مرگ را پایان زندگی ندانسته، مانند پلی برای انتقال به دیار باقی می‌بینند، از مرگ نمی‌ترسند. آنان با سعی و تلاش به عمل صالح می‌پردازند تا در جوار حق قرار گیرند.

قرآن در جامعه‌ای که بی‌عدالتی سبب اضطراب و ناامنی در افراد می‌شد، کامل بودن خود را به عرصه ظهور گذاشته است. خداوند همه‌جا مردم را به عدالت فرا خوانده، آن را به‌منزله یکی از اهداف انبیا برمی‌شمرد. خداوند حتی در حق دشمنان نیز، به اجرای عدالت فرمان می‌دهد و در قرآن برای عبرت مردم، ملت‌هایی را مثال می‌زند که به جهت بی‌عدالتی دچار عذاب الهی شدند؛ از جمله آیه سیزده سوره مبارک یونس که می‌فرماید: «و به راستی اقوامی پیش از شما را آنگاه که ستم پیشه کردند، نابود کردیم...».

۱. سوره آل‌عمران، آیه ۱۸۵.

خداوند نه تنها دستور به عدل می دهد بلکه خود نیز عادل بی نظیر است. خداوند سبحان در قرآن با تأکید، بیان می کند که اعمال انسان حتی اگر ذره ای باشد، نادیده گرفته نمی شود و به آن پاداش داده خواهد شد و حتی از سر لطف پاداش آن را دو برابر خواهد بود. حال انسان دینداری که خداوند را عادل می داند و دستورهایی او را قبول داشته، می داند که روزی به اعمالش رسیدگی می شود، نه خود از مسیر عدالت منحرف می شود و نه بی عدالتی دیگران او را منحرف کرده، به بیماری های روحی و اضطراب می کشاند.

بی معنایی نیز سبب فشار روحی و رکود زندگی می گردد. خداوند متعال در آیات متعددی ضمن تأکید بر هدفداری کیهان و جهان، می فرماید: در صورتی که انسان درست تعقل کند، در همه اجزای آفرینش نشانه و معنی وجود دارد. خداوند، هر چیزی از جمله شب و روز را هدفمند آفریده است. همان طور که در آیه ۶۷ سوره مبارک یونس می فرماید:

«او کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن آرام گیرید و روز را چشم اندازی روشن ساخت؛ در این عبرت ها برای گروهی است که گوش شنوا دارند».

انسان دیندار با ایمان به معناداری زندگی، ابتدا هدف و معنای زندگی را درمی یابد، سپس برای دستیابی به آن می کوشد. از این رو، هیچگاه به پوچی نمی رسد، چون زندگی را هدفمند دانسته، تمامی کارهای خود را برای رسیدن به هدفش تنظیم می کند، دچار سردرگمی و اضطراب نمی شود و می کوشد هنگام لقای پروردگار، نتیجه خوبی برداشت کند.

نتیجه

با توجه به مطالب مطرح شده، دیدیم که قرآن به خوبی و به نحو بی بدیل می تواند پاسخگوی نیازهای روان شناختی انسان باشد. قرآن، خدایی را به انسان معرفی می کند که همیشه و همه جا کنار انسان است، و با علم و قدرت خود، می تواند مشکلات انسان را حل کند. او عادل مطلق است و رنج های انسان را بی اجر نمی گذارد و زندگی و جهان را هدفمند آفریده است. از این رو، اگر انسان با تمام وجود، به قرآن کریم اعتقاد و باور داشته باشد، دارای سلامت روانی بوده، به جای اضطراب و نگرانی، آرامش کامل بر او حکمفرما می شود. خلاصه آنکه، براساس موضع قرآن کریم در خصوص نیازهای روان شناختی انسان، می توان به این نتیجه رسید که دینداران با استناد به آثار مثبت التزام به باورهای دینی، عقلاً مجازاند، آنها را بپذیرند.

منابع و مأخذ

۱. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵). *درآمدی بر روان‌شناسی دین*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲. آلستون، پی (۱۳۸۰). *دین و چشم‌اندازهای نو*. ترجمه غلام‌حسین توکلی، قم: بوستان کتاب.
۳. آون، اچ‌پی (۱۳۸۰). *دیدگاه‌ها درباره خدا*. ترجمه حمید بخشنده، قم: انتشارات اشراق.
۴. ادواردز، پل (۱۳۸۴). *خدا در فلسفه: برهان‌های فلسفی اثبات وجود باری*. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. بدوی، عبدالرحمن (۱۹۸۶م). *موسوعه الفلسفه*. بیروت: معهد النماء العربی.
۶. پویا، اعظم (۱۳۸۶). *معنای زندگی*. قم: نشر ادیان.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *تبیین براهین اثبات وجود خدا*. قم: مرکز نشر اسراء.
۸. جیمز، ویلیام (۱۳۷۰). *پراگماتیسم*. ترجمه عبدالکریم رشیدیان، [بی‌جا]: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۹. جیمز، ویلیام (۱۳۷۲). *دین و روان*. ترجمه مهدی قائمی، [بی‌جا]: انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی.
۱۰. حسین‌زاده، محمد (۱۳۷۵). *فلسفه دین ۱: بررسی تطبیقی براهین اثبات وجود خدا*. [بی‌جا]: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۵). *جهان غیب و غیب جهان: سه مقاله در علم کلام جدید*. [بی‌جا]: انتشارات کیهان.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). *کلام جدید*. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
۱۳. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (۱۳۸۳). *نقد و نظر*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. ذاکر، صدیقه (۱۳۷۷). *نگاهی به نظریه فرانکل در روان‌شناسی دین*. قیسات، شماره ۸ و ۹.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۷). *تفسیر المیزان*. ج ۴، ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی؛ و سیدمحمد خامنه، [بی‌جا]: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

۱۶. _____ (۱۳۶۷). *تفسیر المیزان*. ج ۷، ۱۲، ۱۸، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
۱۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۸). *ترجمه تفسیر مجمع البیان*. ج ۲ و ۱۵، ترجمه علی کرمی، انتشارات فراهانی.
۱۸. فرانکل، ویکتور (۱۳۸۴). *انسان در جست‌وجوی معنا*. ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی، تهران: انتشارات درسا.
۱۹. فروم، اریک (۱۳۷۲). *هنر عشق ورزیدن*، ترجمه مهدی قائمی، [بی‌جا]: انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی.
۲۰. _____ (۱۳۸۴). *هنر عشق ورزیدن*، ترجمه پوری سلطانی، تهران: انتشارات مروارید.
۲۱. _____ (۱۳۸۷). *انسان برای خویشتن*. ترجمه اکبر تبریزی، تهران: انتشارات بهجت.
۲۲. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). *تأثیر دین در منش آدمی*. فصلنامه علامه، شماره سوم، دوره اول.
۲۳. موسوی، محمد (۱۳۸۲). *گزارشی از یک کتاب: معنای زندگی اثر جان کاتینگهام*. نقد و نظر، شماره ۲۹ و ۳۰.
۲۴. نجاتی، محمدعثمان (۱۳۶۹). *قرآن و روان‌شناسی*. ترجمه عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۵. وولف، دیوید (۱۳۸۶). *روان‌شناسی دین*. ترجمه محمد دهقانی، تهران: انتشارات رشد.
۲۶. ویلیامز، کارل (۱۳۸۵). *دین و روان‌شناسی*. ترجمه افسانه نجاریان، اهواز: نشر رسش.
۲۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۱). *تفسیر راهنما*. ج ۵، ۱۷، ۲۰، قم: بوستان کتاب قم.
۲۸. یوسفیان، حسن (۱۳۸۱). *دین و نیازهای انسان*. رواق اندیشه، شماره ۱۰.
29. Copleston (1985). *A History of philosophy*. vol II, NewYork: Doubleday.
30. Edwards, P. (1967). *The Encyclopedia of philosophy*. NewYork: Macmillan co; London: collier- Macmillan publisher.
31. James, W. (1982). *The varieties of Religious experience*. NewYork: Penguin.
- 32 Palmer, M. (2001). *The question of God*. London: Rutledge.